

ساختار مغز (دماغ) در طب سنتی

در طب سنتی افعال دماغی محصول عملکرد بطون مغز هستند. روح حیوانی در بطون دماغی تبدیل به روح نفسانی می‌گردد و روح نفسانی منشا حس، حرکت، تفکر، توهم و حافظه است. در طب سنتی، بطن‌های طرفی، معادل بطون مقدم، بطن سوم، معادل بطن اوسط و بطن چهارم، معادل بطن موخر می‌باشد. دماغ به دو جزء مقدم و موخر تقسیم که جزء مقدم شامل بطون مقدم، حاوی (بطن‌های طرفی و لب‌های پنج‌گانه فرونتال، پاریتال، اکسیپیتال، تمپورال و اینسولا) بطن اوسط، حاوی (بطن سوم و سیستم لیمبیک، تالاموس، هیپوتالاموس و پونز) و جزء موخر از بطن موخر دماغ که منطبق با مخچه می‌باشد، تشکیل یافته است. با توجه به افعال بسیار مهم بطون دماغی در طب سنتی، به نظر می‌رسد تجویف این بطون، صرفاً مد نظر نبوده، بلکه بافت مغزی پیرامونی این بطون نیز نقش اساسی در عملکرد آن داشته باشند. سایر اجزای دماغی به عنوان مسالک ورودی و خروجی بطون دماغی بوده، به گونه‌ای که وجود هر اختلال یا سده‌ای در بطن، مجاری یا جوهر دماغ می‌تواند منجر به بروز بیماری‌هایی همچون سردرد، صرع، سکته و... گردد. در کتاب «هدایه المتعلمین فی الطب»، در توصیف بطون دماغ، اخوینی بخاری چنین می‌گوید: و میان این جسم مرکب از آورده و شرابین و این جسم سپید که جرم دماغ (بافت مغز) وی است، سه کاواکی (حفره) است و هر کاواکی از این سه، به دو قسمت، یکی به راست و یکی به چپ، و به تازی این کاواکی‌ها را بطون خوانند و اجواف (فضایی که در باطن و درون عضو باشد) خوانند.

در کتب مفصل‌تر طبی، قدری با تفصیل بیشتر به موضوع فوق پرداخته شده است. در کتاب وزین «کامل الصناعه الطیبیه الملکیه»، دماغ به دو جزء مقدم و مؤخر تقسیم شده است (توجه شود که جزء مقدم با بطن مقدم قدری متفاوت است). مبنای این تقسیم بندی اختلاف قوام و مزاج مغز، همچنین وجود یک غشای ثخین (سخت) بین دو جزء مقدم و مؤخر است. قسمت قدامی دماغ بزرگ ثخین تر، نرمتر و مرطوبتر از قسمت مؤخر آن در نظر گرفته شده است، چراکه عمدتاً با حس سر و کار داشته، ولی بخش مؤخر عمدتاً با اعصاب حرکتی سر و کار دارد.

در کتاب «کامل الصناعه» مجوسی اهوازی می‌گوید: «دماغ سه تجویف دارد که به آن‌ها بطون گفته می‌شود. بطن اول و ثانی، دو تجویف در مقدم دماغ هستند که به آن‌ها بطن‌های مقدم گویند، از طریق آن‌ها، استنشاق هوا و اخراج آن و نفخ‌های که در دماغ است حاصل می‌شود و در آن روح حیوانی به روح

نفسانی تغییر شکل پیدا می‌کند.» تجویفی هم در مؤخر است که به آن بطن مؤخر گویند، روح نفسانی از دو بطن مقدم، بعد از تغییر به سوی این بطن آمده و قدری استحاله می‌یابد. بین دو بطن مقدم و بطن مؤخر، مجرایی است که روح نفسانی از طریق آن عبور می‌کند و با واسطه این مجرا است که جزء مقدم دماغ با جزء مؤخر آن اتصال برقرار می‌کند و بین دو بطن مقدم و این بطن، موضع عمیقی است که مجمع البطنین نام دارد. از اینجا آن مجرایی که گفتیم آغاز می‌شود، چرا که دو بطن مقدم باید از این موضع واحد به بطن مؤخر متصل شوند. این محل در واقع محل دو انتهای دو بطن مقدم است و این موضع، بطن چهارم دماغ نامیده می‌شود و به آن بطن اوسط گویند و آن کوچکتر از بطن مؤخر و بطن های قدامی است.

در کتاب قانون در طب، دماغ به سه بخش تقسیم شده است که عبارت است از: جوهر حجابی، جوهر مخی و تجاویفی که مملو از روح است. همچنین جزء مقدم و مؤخر دماغ را با واسطه حجاب صلبی از غشاهای مغزی کاملاً از نمای بیرونی آن جدا می‌داند و جدایی جزء مقدم به دو بخش چپ و راست را به دلیل نفوذ غشائی از مغز بین دو قسمت چپ و راست واضحهتر می‌داند. علاوه بر آن بطن اوسط را همانند منفذ و دهلیزی بین بطن مقدم و مؤخر معرفی می‌کند.

این ها تعاریف و تقسیم بندی های ساختاری مغز در برخی از کتب طب سنتی هستند که با هم خواندیم. در کتب مختلف این تعاریف با کمی اختلاف شبیه هم هستند.

تعریف بطن: بطن از فعل بَطَنَ به معنای نهان و مخفی شدن مشتق شده و به معنای درون و وسط چیزی قرار گرفتن است و مراد از بطون دماغی در واقع، تجاویف و فضایی است که در داخل جوهر دماغ قرار دارند و در تقسیم بندی طبی، نوعی اوعیه محسوب می‌شوند. اوعیه جمع کلمه وعاء، به معنای فضایی است که در باطن اعضا بوده و حامل و شامل شیء ساکن است یکی از دلایل سکون ماده در اوعیه، فعل و انفعالی است که قرار است از طریق ساختار بیولوژیک وعاء، بر آن ماده اعمال شود. بطون دماغی مملو از روح نفسانی است. روح حیوانی از طریق شرائین به دماغ رسیده و در بطون دماغی به روح نفسانی تغییر می‌یابد. روح نفسانی در آغاز در بطن مقدم دماغ نضج و اعتدال مناسبی پیدا کرده و پس از فعل و انفعالات مرتبط با بطن مقدم به بطن اوسط رفته، نضج آن کاملتر و در نهایت از طریق مجرای بین بطن اوسط و بطن مؤخر، به آنجا رسیده و نضج تام پیدا می‌کند. این دیدگاه متعلق به شیخ الرئیس است، اما ابن نفیس معتقد است مسیر سیر تکاملی روح نفسانی بالعکس است، یعنی روح حیوانی اول به بطن مؤخر می‌رسد و

پس از اعتدال و استحاله ای به بطن اوسط و از آنجا به بطن مقدم رفته در آنجا استکمال می یابد، لذا روح موجود در بطن مقدم را در کمال اعتدال دانسته است.

تحلیلی بر بطون دماغی (مغز): تعداد بطون در طب سنتی، همچون طب نوین چهار عدد است که به بطن های طرفی، بطون مقدم، به بطن سوم، بطن اوسط و به بطن چهارم، بطن مؤخر گفته می شود. جوهر دماغی اطراف هر یک از بطون مغز در فیزیولوژی بطون، مذکور در بخش پیشین، نقش مهمی دارند. به بیان دیگر، اگر بپذیریم بطون، محور اصلی خدمات فیزیولوژیک مغز است، این کار را با حمایت و نقش آفرینی جوهر دماغ که در پیرامون آن قرار گرفته است، اعمال می کند. جوهر دماغ صرفاً مجرا و مسلکی جهت عبور روح نفسانی نضج یافته در بطن نیست، بلکه به نضج، اعتدال و استکمال روح نفسانی و به تبع آن قوه نفسانی کمک می کند. به سخن دیگر، بهتر است تلقی ما از بطون دماغی در توجیه آثار عملکردی آن باشد.

به طور کلی حکما برای بطون دماغ افعال مهمی برشمرده اند:

بطن مقدم دماغ

موضع حس مشترک و حس خیال است. حس مشترک، ادراک حواس ظاهری (حواس پنجگانه بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه) و حواس باطنی (حس مشترک، خیال، متصرفه، وهم و حافظه) را بر عهده دارد. از یکسو مدرکات ظاهری را به واسطه حواس ظاهری به حواس باطنی منتقل و از سوی دیگر صور، معانی، حقایق، تخیلات و محصولات دیگر حواس باطنی را به قالب الفاظ و صور در آورده به حس خیال سپرده که خزانه حس مشترک است.

به بیان امروزی حس خیال را می توان به حافظه رایانه ای تشبیه کرد که محسوسات حواس پنجگانه و سایر محسوسات را در خود ذخیره کرده و در موقع نیاز در اختیار سایر قسمت های دماغ قرار می دهد.

بطن اوسط دماغ

موضع حس متصرفه (متخیله یا متفکره) و حس وهم است. حس متصرفه، قابلیت تصرف تفصیل، ترکیب یا انفصال صور ضبط شده در حس خیال و معانی جزئیة مدرکه حس وهم، با همدیگر را دارد. تخیل حیوانات عجیب و غریب، ترسیم صحنه ها و نقاشی های تخیلی و خلق برخی از آثار هنری بکر، محصول

عملکرد این قوه است. همچنین موضع حس وهم است که به کمک آن معانی صور ضبط شده در حس خیال درک شده، در آن‌ها دخل و تصرف صورت می‌پذیرد و مفهومی نو متولد می‌شود.

بطن مؤخر دماغ

که موضع حس حافظه است که به اصطلاح جدید می‌توان کارکرد آن را مشابه به کارکرد حافظه درونی (هارد دیسک رایانه) در نظر گرفت که معانی و مفاهیم را در خود ثبت و ضبط می‌کند. همچنین موضع قوت حرکت است و به واسطه آن و از طریق اعصاب و به کمک عضلات، حرکت در بدن امکانپذیر می‌شود.

نظریه‌های چهار خلط (مزاج)

مزاج شناسی یکی از مهمترین مقدمات اقدام به درمان در طب سنتی می‌باشد. تشخیص دقیق مزاج هر فرد در انتخاب روش درمان سریع و مفید بسیار مهم است. همانطور که می‌دانید هر عضوی در بدن یک مزاج طبیعی دارد که در اثر بروز برخی عوامل ممکن است دچار سوء مزاج و به تبع آن به وجود آمدن انواع بیماری‌ها شود. تشخیص مزاج و همچنین سوء مزاج را پزشک متخصص طب سنتی و حکیمان و طبیبان این حوضه، بیشتر از روی ظواهر و عادات فرد تشخیص می‌دهند. برای تعیین مزاج خود می‌توانید از آزمون تعیین مزاج سایت طبایع استفاده نمایید.

مزاج پایه و جلی به معنای، مزاج ذاتی و اصلی است. یعنی مزاجی که تکون انسان بر اساس آن می‌باشد. حکما روش‌هایی برای شناخت مزاج پایه مطرح کرده اند که از جمله اجناس عشره می‌باشد و شامل ملمس، سحنه، مو، رنگ بدن، هیات اعضا، انفعال، نوم و یقظه، افعال، فضولات مندفعه، فعل و انفعالات نفسانی می‌باشد. منظور از ملمس، لمس کردن می‌باشد و اینکه طبیب با لمس اعضا بدن بتواند مزاج فرد را تشخیص دهد. سحنه یعنی چاقی و لاغری. چاقی عضلانی دال بر مزاج گرم و چاقی همراه با نرمی و شلی بدن نشانه مزاج سرد می‌باشد. زیادی و کمی مو، مجعد بودن و نرم بودن و رنگ مو نیز از راه‌های شناخت مزاج پایه می‌باشد.

تعیین مزاج مغز از روی موها

- موی سیاه با رشد خوب و سریع، نشانه ی گرمی مزاج مغز در طب سنتی است.
- موی لخت و قهوه ای یا بور، رشد کند، نشانه ی سردی مزاج مغز در طب سنتی است.
- موی خیلی صاف و عدم ریزش در جلوی سر، نشانه ی رطوبت مزاج مغز در طب سنتی است.
- مویی که بعد از ولادت، رویش سریع و سیخ (راست)، طاسی زود هنگام، داشته باشد، دلالت بر خشکی مزاج مغز در طب سنتی دارد.
- اگر مو، بسیار بسیار مجعد و پرپشت باشد، با رشد سریع و زود طاس شود، نشان دهنده گرمی و خشکی مزاج مغز در طب سنتی است.
- اگر مو، صاف و مایل به قهوه ای با رشد متوسط باشد و در میانسالی طاسی به روی آورد، دلالت بر گرمی و تری مزاج مغز در طب سنتی دارد.
- موی لخت با رویش کند، بدون طاسی، نشانه ی سردی و تری مزاج مغز در طب سنتی است.
- اگر مو سیاه و حالتی بین صاف و مجعد با رشد میانه و متوسط داشته باشد و اگر طاسی در میانه ی عمر و پیری رو کند، نشانه سردی و خشکی مزاج مغز در طب سنتی است.

تعیین مزاج مغز از روی رفتار شخص

علائم گرمی مزاج مغز

- اگر با نشاط و عجول باشد، و با سرعت کاری را انجام دهد.
- عدم ثبات رای.
- تا حدی کم خواب و پرحرف حتی تا حد یاهه گویی.

علائم سردی مزاج مغز

- بی نشاطی و کسلی.
- همیشه دقیقه ی نود.
- خونسرد و بی عجله.
- کم حرف و گوشه گیری (تقریباً).
- این افراد دارای موهایی صاف و سفید هستند و رشد مو هایشان بعد از تولد کند است